

هخامنشیان در پاکستان

نوشته: سرهنگ محمد گلزار خان کیانی
(پاکستان)

بررسیهای تاریخ ایران در دوران هخامنشی نموداری است از میراث فرهنگی مشترک ایران و پاکستان در زمینههای تاریخی و ژئادی و زبانی و اجتماعی و اقتصادی و دیگر جنبهها که بر روی هم یک واحد جامع کامل میسازد. برهنگان آشکار است که از زمان پادشاه بزرگ هخامنشی داریوش اول همبستگیهای تاریخی میان ایران و مردم پاکستان (سرزمین سند) پایه گرفت.

هرودوت در کتاب چهارم ص ۴۴ گوید که «اما در آسیا مهمترین اکتشافات بوسیله داریوش انجام گرفت. وی مایل بود بداند رود سند که با یکی دیگر از رودها تنها رودهایی هستند که تماس در آن زیست میکند در کجا بندریا میریزد.

پس تعدادی از کسانی را که تصور میکرد در میان حقایق مورد اعتماد او میباشد و از جمله سکیلاکس از اهل کاریاندا را در کشتی نشاند و باین مأموریت فرستاد. این اشخاص در شهر کاسپاتیروس و از سرزمین پاکتیها حرکت کردند. آنان از طریق رودخانهها در جهت طلوع فجر و شرق حرکت کردند تا بندریا رسیدند. سپس رو به سمت مغرب در دریا حرکت کردند. در ماه سیام به محلی رسیدند که فینیقیها که کمی بالاتر دریا در آنجا سخن گفتیم بامریادشاه مصر از همان محل برای گردش بدور افریقا حرکت کرده بودند. پس از گردش دریائی داریوش هندیها را به اطاعت خود در آورد و از این دریا استفاده کرد». (نقل از تاریخ هرودوت - از انتشارات دانشگاه تهران شماره ۷۱۳ ترجمه دکتر هادی هدایتی جلد چهارم ص ۱۰۹ بند ۴۴).

سرزمینی که در ۵۱۸ پ. م. به دست داریوش گشوده شد شهر بان نشین بیستم شاهنشاهی ایران به شمار آمد. این استان توانگرترین و پر مردمترین بخش شاهنشاهی شمرده می شد. خراجی برابر با ۳۶۰ تالان خاک طلا که دست کم معادل یک میلیون لیره استرلینگ و تقریباً یک سوم همه شمشهای خراج استانهای آسیا باشد به خزانه داریوش سرازیر می شد. این بخش شهر بان نشین سند از رشته کوههای نمک در بخش جهلم تا دریا گسترده شده و شاید پاره ای از پنجاب در مشرق سند هم جزو آن بود. این شهر بان نشین بخشی بود جدا از هفتمین ساتراپ نشین شامل بخش هریو (هرات) و آراخوزی (قندهار) و گندهاره (تاکسیلا و استان مرزی شمال غربی) در کتیبه داریوش در تخت جمشید و بر مزار او در نقش رستم از این شهر بان نشین نیز یاد شده است.

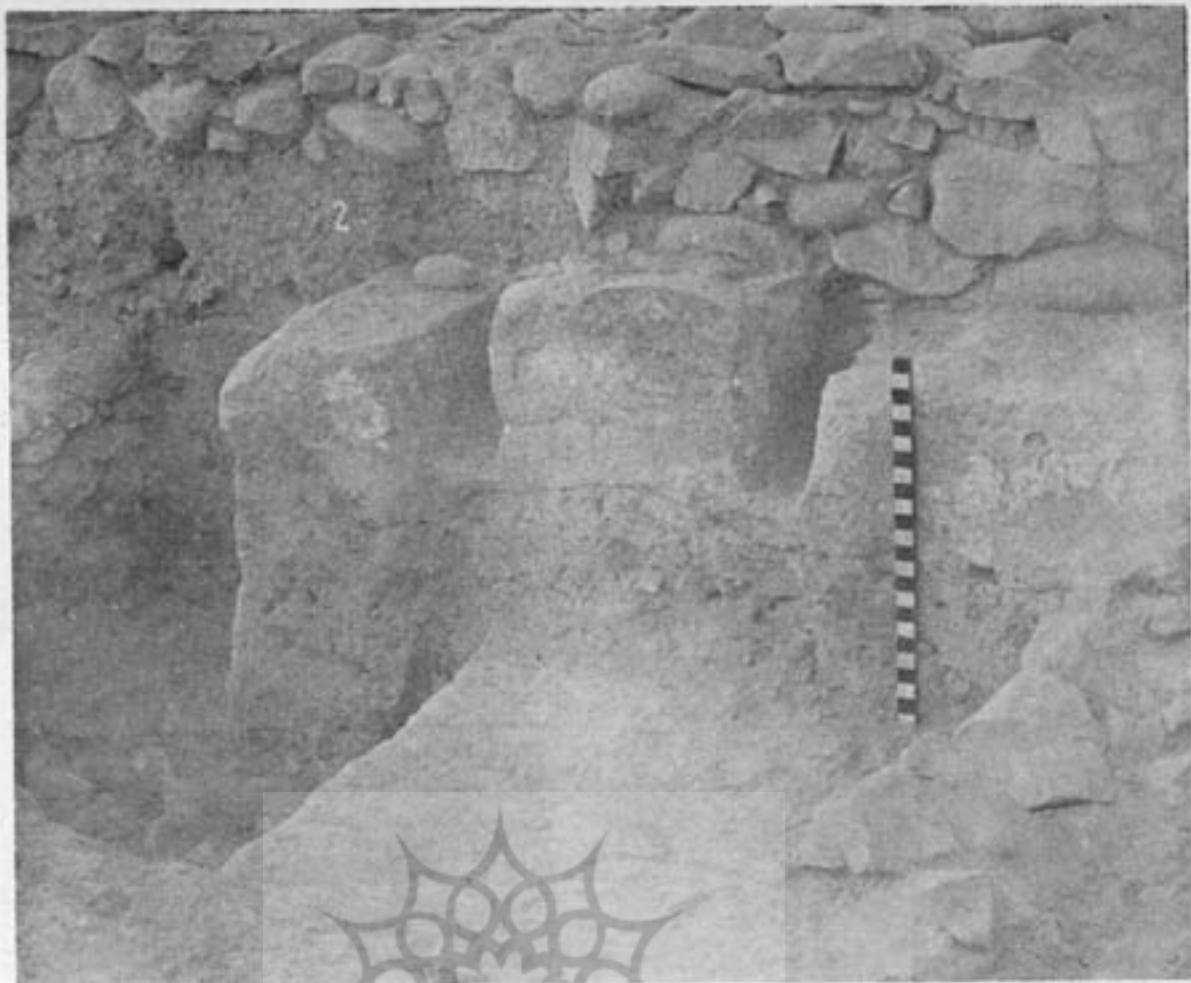
در اوستا هم از هند یاد شده است. در وندیداد به ویژه به سرزمین پنجاب اشاره شده است. «پاتر دهیم جاها و روستاها که من اهور مزدا بهترین بیافریدم هفت هند (هپته هندو) است» یعنی آنکه پاتر ده سرزمین خوبی که بیافریدم همانا سرزمین هفت رود بود. هپته هندو همانا نامی است که اوستا بر پنجاب و سند اطلاق کرده است و درودا «هپته سندو» آمده که عبارت باشد از جهلم و پنجاب و راوی و بیاس و ستلج و سند و کابل. در دوران اسلامی این بخش را پنجاب نامیدند که سرزمین پنج رود باشد به استثنای سند و کابل. پژوهندگان و باستان شناسان پاکستانی اخیراً بررسیهایی را برای باز شناختن تاریخ روزگار کهن آغاز کرده اند و توانستند حلقه مقفود را با



آتشگاه هخامنشی از حفريات سيمترگر - بلمبت (پاکستان)

بازپسین کاوشهای بلمبت^۱ و تیمارگره^۲ بیابند. این کاوشها نخستین بار در پاکستان نشانهای از آبادیهای باستانی هخامنشی در این بخش داده است و پیوندی همهجانبه با فرهنگ روزگار هخامنشی ایران نمودار ساخته است. مطالعات و کاوشها در این بخش از سرزمین گندهاره بوده است. بلمبت که در آن بر اثر کاوشهای سال ۱۹۶۶ زیر نظر پروفیسور احمدحسن دانی^۳ رئیس بخش باستانشناسی دانشگاه پشاور و یاری کاوشگران، این جایگاه هخامنشی پیدا شد در حدود ۱۲۵ میلی پشاور واقع است که روزگاری این بخش از سرزمین گندهاره بوده است. بلمبت در مغرب رود پیخکورا واقع است. این رود آن را از روستای تیمارگره در کنار شاهراه گندهاره به چترال واقع است جدا میسازد. یک راه دیگر از پایان شمالی این جایگاه به بجور^۴ میزود. دژی نزدیک بلمبت و ویرانههای کهن کناران قرار گرفته است. کاوشهایی که در این جایگاه شده است آبادی دوران هخامنشی (از سده ۴ تا ۶ پ. م.) را آشکار ساخت. در اینجا یازده اطاق خوش ساخت و زیبا پدیدار شد که هر اطاقی گونه‌ای خاص از آتشدان دیواری یا اجاق داشت. یک گونه از آن آشکارا برای بخاری ساخته شده بود و نوع دیگر بر فراز سکو یا نیمکتمانندی ساخته شده بود. در اطاق شماره ۹ به ویژه بر نیمکت مانند

Timmargarha - ۲ Balambat - ۱
Bajour - ۴ A. H. Dani - ۳

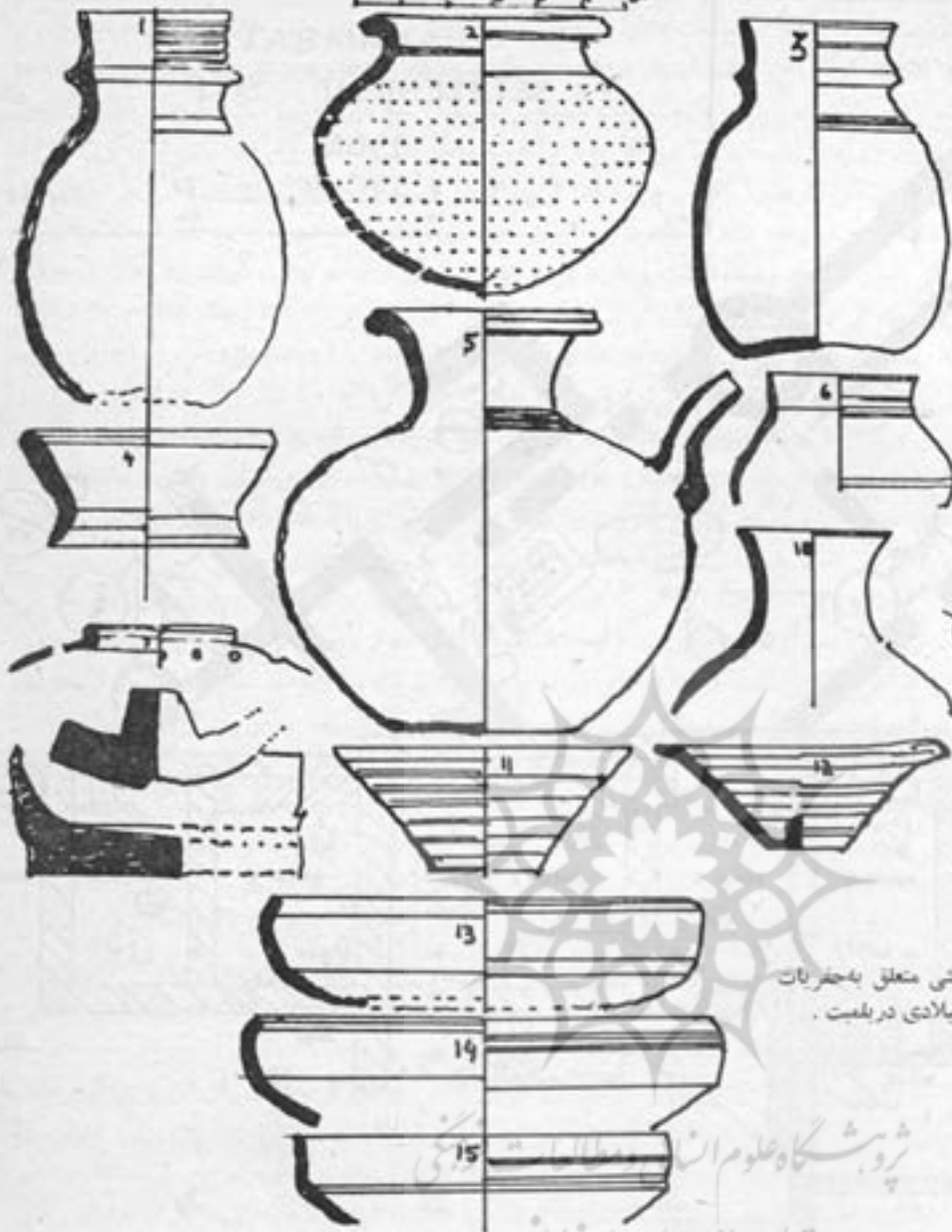


آتشگاه هخامنشی دیگر در بلمبت

مشخصاتی دیدنی ساخته بودند. در میان آن يك آتشدان چهار گوش استوار با گل ساخته بودند که در سوی راست و چپ آن شیاری بود. در آتشدان آشکارا نشانه‌های سرخی و سوختگی دیده می‌شد. در زیر کف اطاق نزدیک بخاری چاله‌ای کنده بودند که هر چه فروتر می‌رفت پهن‌تر می‌شد. در آن کوزه و تکه‌های شکسته سفال و خاکستر و ذغال چوب یافته شد. در اطاق شماره ۲ يك کرسی برای مراسم آتش و پرستش آن پیدا شد. آن کرسی از گل بود که با گچ اندوده بودند و قسمت پیشین آن بر دو ستون تکیه داشت. درست بر فراز ستونها گل آفتاب گردان بر گل نگاشته بودند و بر بالای کرسی يك چراغ از گل سفال بود. زیر کرسی هم يك بخوردان بود يك خاکستر دان نعلبکی مانند در سوی مشرق و يك نمونه ساخته شده از گل سفال در سوی مغرب به صورت مخروطی خرطومی شکل بود. این ساختمان دقیق نموداری است آشکار از آتش پرستی. هیچ تصویری یا پیکره سفالین در این اطاقها پیدا نشد. کرسی مراسم و دیگر آتشدانها که در اطاقهای دیگر پیدا شده نمودار مراسم مذهبی آتش پرستی و حضور مردمی است که در زندگی آنان آتش پرستی اهمیت فراوان داشته است. در جای دیگر از پاکستان از این گونه آتشدانها پیدا نشده و این نخستین نمونه‌ای است از این گونه. وضع عمومی و گاه شماری این جایگاه در آبادی بلمبت آشکار از فرهنگ هخامنشی و وجود صنعت آهن داستان می‌زند.

آتشدانهای بلمبت را می‌توان با آتشدانهای دهان غلامان که توسط ایتالیاییان کشف شده و در شماره ۱-۲ مجله Eastaud West رم به سال ۱۹۶۶ تحت عنوان «کاوش در دهان غلامان»

BBT 1966
ACHAEMENIAN POTTERY

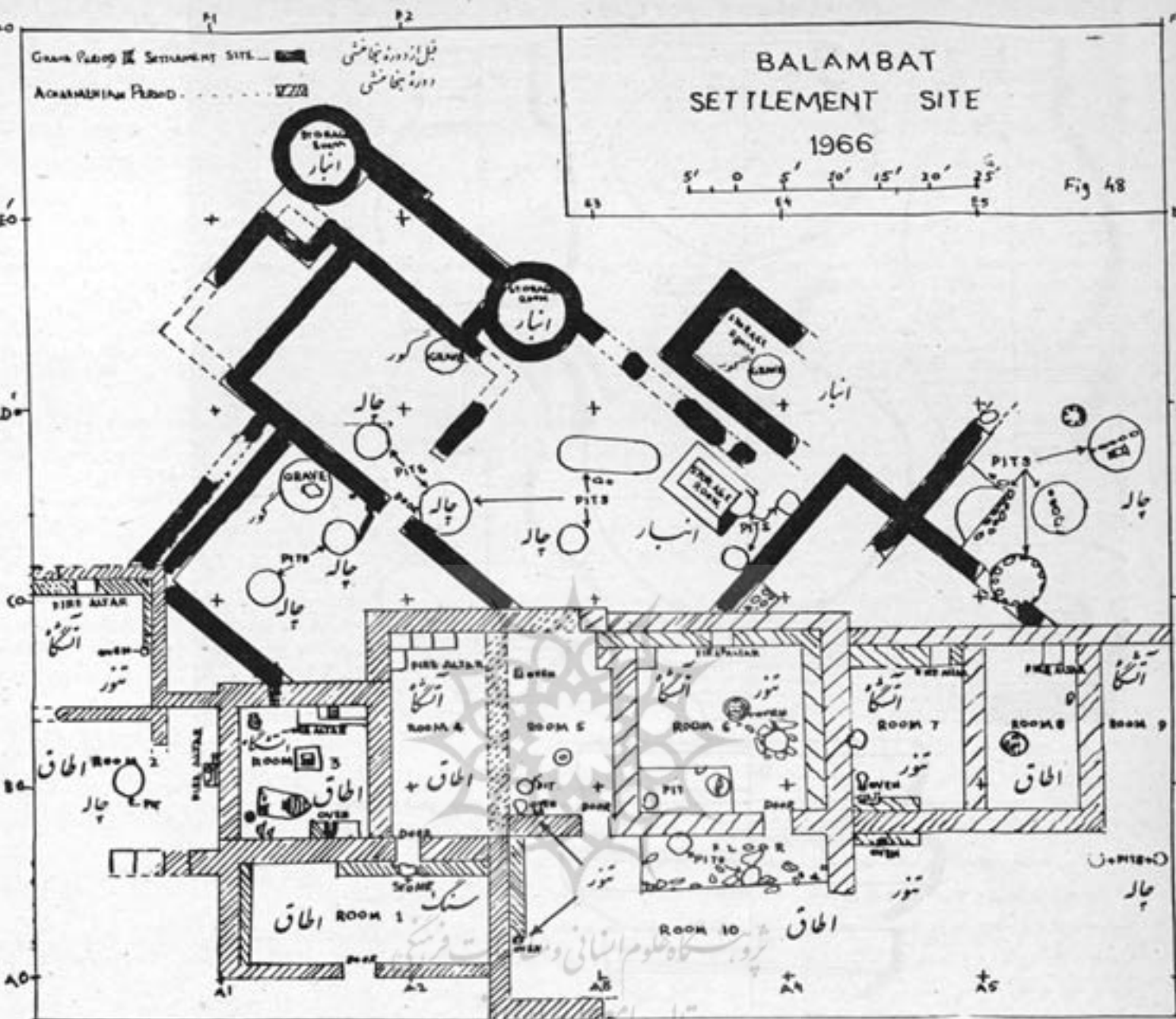


سفال هخامنشی متعلق به حفريات
۱۹۶۶ ميلادی دريلميت .

پژوهشگاه علوم انسانی
رتال جامع علوم انسانی

(سیستان ایران) همانند است . مقاله‌ای هم در این باره آقای دکتر عیسی بهنام نوشته‌اند که در شماره ۶۹ هنر و مردم در تیر ۱۳۴۷ تحت عنوان سیستان در دوران هخامنشی درج شده است .
وانگهی در یلمیت چند کوزه بزرگ و سلامت چال شده در زیر کف اطاقها پیدا شد .
عموماً در اطاقها اشیاء آهنی مانند قلاب برای آویختن تور ماهیگیری و سنگهای گرد آسیا و وزنه‌های سفالی و اشیاء سفالی دیگر که صاف و نقاشی شده بودند پیدا شد . مقدار فراوانی اشیاء آهنی از آن جمله ناوک در زیر کف اطاق پیدا شد که سخن هرودوت را به یاد می‌آورد که گفت : «سربازان بومی با ناوکهای نوک‌آهین مجهز بودند» . همچنین گفتنی است که کشفیات سر جان مارشال^۹

Sir John Marshall - ۵



خریات بلیت در ۱۹۶۶ میلادی.

مدیر کل باستان‌شناسی چنانکه در کتاب برجسته او به نام «تاکسیلا» مندرج است نشان می‌دهد که آبادیها و جایگاههای پیرامون تپه بهیر در تاکسیلا آثار ساختمانی بازمانده از سده ششم پ. م. است. این دوران همزمان است با زمان تاختن داریوش اول (در ۵۱۸ پ. م.) به این بخش - و می‌توان چنین گمان برد که (تاکسیلا را کشور گشایان ایرانی پایه نهادند). این عقیده با بررسی وضع خیابان‌بندی و ساختمان کهن‌تر و آنچه در دوران تسلط ایرانیان طرح افکنده شده نیرو می‌گیرد.

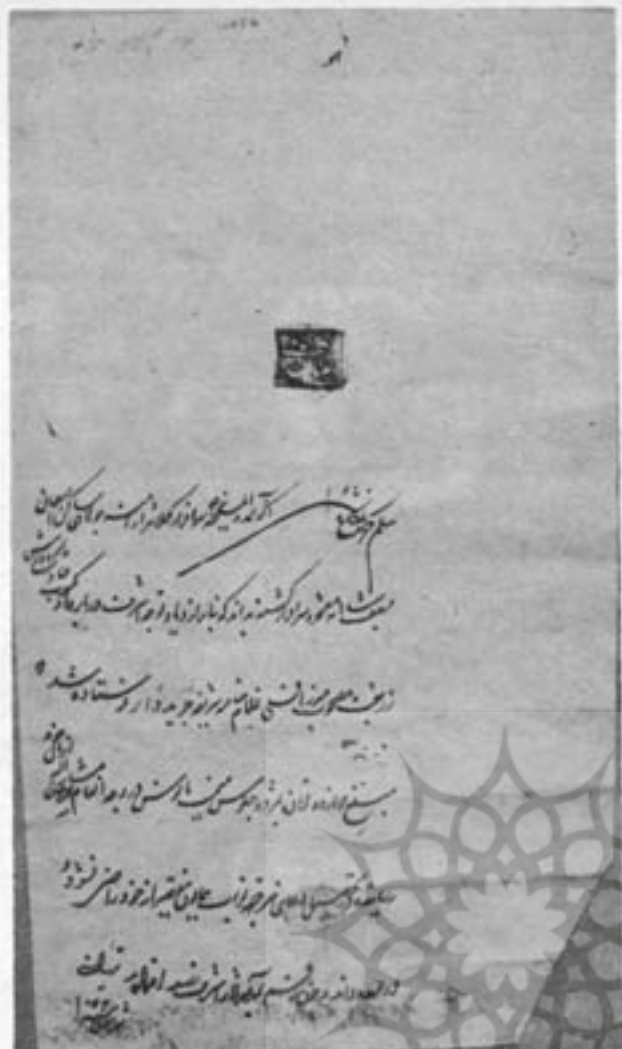
يك نگاه به سازمان دیوانی این سرزمین در زمان هخامنشیان چنانکه در تاریخ کمبریج^۶ به نقل قول از مارشال آمده است نشان می‌دهد که اصل مرکز در این شهریان نشین و دیگر شهریان - نشینها تا آنجا که امکان داشت اعمال می‌شد. فرمانده همگان پادشاه بزرگ بود که شاهنشاه خوانده می‌شد و شهریان در برابر او مسئولیت مستقیم داشتند. سازمان و شیوه اداره این شهریان نشین مانند دیگر شهریان نشینها تابع تمرکز بود و اندیشه حکومت اقلیتها و فرهنگهای گوناگون و رفاه و آسایش همگان از اصول مسلم و پذیرفته اهورامزدا به شمار می‌رفت. آنان که بر مردم فرمان می‌راندند سوگند داده بودند تا به درستی فرمان رانند. هر شهریان نشین با شبکه راههایی با مرکز امور اداری پیوند داشت و داریوش برای برقراری ارتباط نهایت کوشش را به کار می‌بست. با این شیوه ترتیب فرستادن پیک و ارتباط پستی به جهانیان عرضه شد. يك اصلاح در سکهها نیز به دست داریوش صورت گرفت که به آنها کلمه فارسی زریک یا دریک یعنی پاره زر را می‌زدند. در شهریان نشینهای مشرق روش کهن دادوستد جنسی هنوز رواج داشت. ولی در استانهای پرزر و متمدن مرزی از جمله پنجاب دادوستد با پول و سکه زود رواج یافت شواهد روابط تجاری فراوانی که در زیر فرمان هخامنشیان در میان شمال غرب پاکستان و ایران وجود داشته همانا سکههای سیمینی است که در این سرزمینها یافته شده و هم بر پایه معیارهای ایرانی ضرب شده و هر پاره برابر است با دوسینگلو یا استاتر و نیز نیم و ربع سینگلو بودند.

يك رویداد برجسته دیگر که در زمان هخامنشیان پیش آمد همانا پدید آمدن خط خاصی است. زبان آرامی را مردم این سرزمین همچون زبان دوم و در کنار فارسی پذیرفتند. چون الفبای آرامی نمی‌توانست همه آواهای زبان بومی پراکریتم را نمودار سازد چند حرفی بر آن افزوده شد و چند حرف آن تبدیل گشت و بدین گونه اندک اندک خط خاص خروشتی پدیدار شد. در کتیبههای آسوکا (در سده سوم پ. م.) در مرزهای شمال غربی این الفبا آشکار شد و در تاکساتا سده پنجم میلادی رواج داشت.

يك کتیبه آرامی که در دیوار خانه‌ای در سیرکاپ - تاکسیلا^۷ کار گذاشته شده بود کشف شده است. تا آنجا که با وضع خرد شده و فروریخته آن بتوان خواندگویی سخن در ستایش از مأموری است بلند پایه به نام «رومدوت»^۸ که پیشرفت خویش را مدیون نایب السلطنه یا فرمانداری است به نام پریاداری^۹. پریاداری را گویا آسوکا که بر تاکسیلا به عنوان نایب السلطنه پدرش بیندوسورا^{۱۰} فرمان می‌راند در دستگام خویش به کاری گمارده بود. این امر نمودار آنست که این کتیبه اندکی پیش از میلاد فراهم شده است.

مختصر یادی هم می‌توان از سازمان لشکری این بخش کرد. شهریان لشکری از بومیان با شماری سرکردگان و سربازان ایرانی زیر دست داشت. ولی بیشتر سپاهیان این بخش را فرمانده شاهی که مستقیماً زیر فرمان شاهنشاه بود در فرمان داشت. همه مردم بی استثنا چه در شهریان نشین خویش و چه در هر جا که شاهنشاه جنگی داشت ناچار از خدمت سربازی بودند. پس سربازان بومی این استان را در کنار سربازان دیگر جاهای شاهنشاهی می‌بینیم که در جنگها پیکار می‌کنند. اسلحه عمده آنان کمان بود که در نقش بیستون و در سکههای داریوش شاهنشاه بدان مجهز است بدین گونه دشمن در زیر بارانی از ناوگ گرفتار می‌شد و بارانی نزدیک شدن نداشت. وانگهی زوینهای کوتاه و دشنه نیز با خود داشتند. سربازان بومی جامه‌های یکسان کتانی داشتند با کمانها و ناوگهای نوک آهنین. این را می‌توان از شرحی که هرودوت بر جای گذاشته و نقشی که در تخت جمشید مانده دریافت.

Combridge History	-۶
Sirkaf-Taxila	-۷
Romdote	-۸
Piryadorsi	-۹
Bindusora	-۱۰



شاه عباس دوم طی فرمانی که
 به سال ۱۰۵۴ هجری قمری صادر
 شد به خدمت لباس و عباي زرینت
 بهکواجه شغراز (شاه فراز)
 عطا کرد .

شاه عباس دوم .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

فراهمین موجود در موزه جلفای

با همکاری ل . میناسیان رئیس موزه ارمنه جلفای اصفهان

موزه ارامنه - در جلفای اصفهان - یکی از جلوه گاههای ارزشمند تاریخ ایران و گنجینه هنر و فرهنگ ارمنی است . آثار و یادبودهایی که در این موزه قدیمی نگهداری میشود ، نه تنها از دیدگاه باستان شناسی و هنر و استتیک ، جالب و گراهنده است ، بل تقدیر «ارامنه» را در سیر تاریخی طولانی بازگو میکند - و این به ویژه از آن جهت که سرنوشت ارامنه با بخشی از تاریخ و فرهنگ ایران پیوندی عمیق دارد ، در خور توجه است .

روشن ترین تصویر قوم ارمنی در طی نسلها ، در فرمانهایی که توسط شهریان ایران برای رفاه ارامنه و رفع گزندهایی که بر آنها وارد می آید ، صادر شده ، منعکس است . این فرامین صرف نظر از اینکه ارزش تاریخی دارند ، اسناد دقیق و اصیلی هستند که از روزگاران پیشین حکایت میکنند و حکایت آنها تاریخچه تفسیری قرون است که بر کشور ما ویر ارامنه ساکن آن گذشته - و نیز یک آئینه بی غبار وضع اجتماعی ، مذهبی و روانی ملت ما در گذشته های دور و نزدیک است .

فرامین مذکور بیشتر به خط شکسته نوشته شده اند و در عین موزونی خواندن متون آنها بدشواری امکان پذیر است . حواشی اغلب آنها با طرحهای زیبا - و گاه مینیاتور گونه - زینت یافته و این به اسناد تاریخی مزبور ارزشی هنری بخشیده است .

آگاهی از انگیزه صدور هر یک از این فرامین بی آشنائی به تاریخ ارامنه مهاجر ایران گرچه دشوار است ، لیکن هر یک از فرامین در تحلیل وقایع و بازگویی بخشی از سرنوشت ارامنه خود بهترین برگه است . پیش از پرداختن به چگونگی این فرامین ، نگاهی - اگر چه به اجمال - به موزه جلفا و نیز تاریخ سیاسی - اجتماعی ارامنه ایران بی ضرورت نیست .

شاه عباس پادشاه نامی صفوی به سال ۱۶۰۳ پس از فتح جلفای آذربایجان راهی «ایروان» شد و این شهر بر آوازه ارمنی نشین را محاصره کرد . ایروان در آن هنگام در معرض هجوم گاه و بیگاه عثمانیها بود و ارامنه در دل کمترین دوشی نسبت به ترکان احساس نمیکردند . چنین بود که با آغوش گشاده سپاه ایران را پذیرفتند و حکمران ایروان بشقابهای انباشته از طلا به رسم هدیه برای شاه عباس فرستاد .

اندکی پس از فتح ایروان بدست قوای ایران «سینان پاشا» سردار معروف عثمانی با ۲۰۰ هزار جنگجو عازم ایروان شد و شاه عباس که سپاه کافی و تجهیزات ضروری یک جنگ بزرگ را همراه نداشت تصمیم به عقب نشینی گرفت و به وقت عقب نشینی فرمان کوچ ارامنه را بسوی ایران صادر کرد . او میخواست با این تمهید آبادیهای را که در سر راه سپاه دشمن بود ، از

فرمان شاه سلیمان بسال ۱۰۷۹ هجری قمری حکومت های فریدن ، لنجان و چهارمحال موقوف میکرد که در امور مذهبی ارامنه دخالت نکنند .



آبادانی و سکنه خالی کند تا عثمانیها برای تأمین آذوقه و نیازمندیهایشان به مضیقه بیفتند .

بدینسان ارامنه از جلقای آذربایجان و ایروان بسوی ایران سرازیر شدند و در جلغای اصفهان اقامت گزیدند . محیط مذهبی و تعصبات شدید ، گروهی را علیه مهمانان ارمنی‌شان برانگیخت . آزار و غارت ارامنه آغاز شد و خشونت و نفرت از هر سو آنها را در بر گرفت .

شاه عباس که علاقه بسیار به ارامنه داشت و در اجرای کلیه آداب و مراسم مذهبی و ملی به آنها آزادی کامل داده بود - در این موقعیت تیره با صدور يك فرمان پر خاشاچو به یاری ارامنه شتافت . متن فرمان باین شرح است :

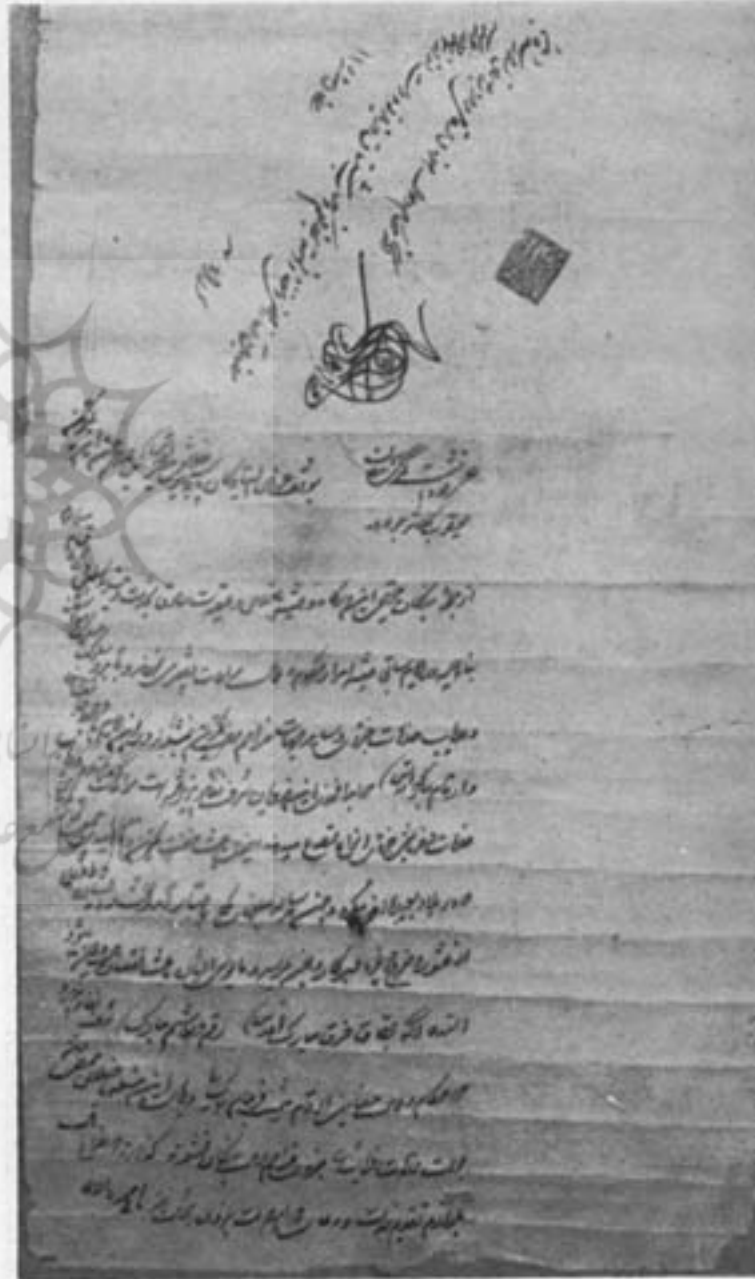
« حکم جهان مطاع شد آنکه وزارت رفعت پناه شمس‌الوزاره و الرفعه میرزا محمد وزیر دار السلطنه اصفهان بداند که عرضه داشتی که درینولادریاب جنگ جماعت ارامنه جولاه و مردم ماریانان نوشته بود رسید و مضامین آن معلوم گردید بارک‌الله روی ایشان سفید فی‌الواقع قاعده مهمان نگاه داشتن همین باشد جمعی که بجهت خاطر ما از وطن چندین هزار ساله خود جلا شده باشد و خروار خروار زر و ابریشم را گذاشته بخانه شما آمده باشند گنجایش دارد که بجهت چند خربزه و چند من انگور و کلوزه با ایشان جنگ کنید در جولاه خانه بود که دو هزار تومان خرج آن کرده بودند آنرا خراب نموده کوچ خود را بردوش بدانجا آمده اند با ایشان این عمل می‌باید کرد بسیار بسیار بد کرده‌اید از تو بغایت الغایت عجیب بوده که قتل مردم ماریانان نکرده است ایشان را از مردم مورچ‌خورت پنداشتند که بامهمانان بد بر می‌خورند آن بر سر ایشان آوریدیم که دیدی بجهت حال خاطر جوئی مردم جولاه نموده نوعی نمای که تسلی و راضی شوند و در این زمستان از صاحبان باغ پلاسان یا ماریانان ایشان را جا دهید آنچه ملک ما بوده باشد ایشان را جا دهید و تتمه که بماند خانهای رعیت را کرایه کرده بجهت ایشان جا تعیین نمای که انشاء تعالی در آینده بجهت خود خانه سازند می‌باید که جمعی که با ایشان نزاع کرده‌اند تنبیه بلیغ نمای فی شهر ربیع الثانی ۱۰۱۴ » .

در زمان شاه عباس وضع ارامنه تثبیت شده و رضایتبخش بود . بهنگام سلطنت شاه صفی و شاه عباس دوم نیز این رفاه و آزادی به گونه‌ای نسبی پایدار ماند ، ولی از اواخر عهد صفویه بر اثر نفوذ فوق‌العاده علمای روحانی در دربار سلاطین ، آسایش و امنیت ارامنه به مخاطره افتاد - و بعد در دوره استیلای افغانها سخت مورد تعدی و تجاوز قرار گرفتند .

« هانری رنه دالمانی » سیاح فرانسوی که به سال ۱۹۰۷ میلادی (۱۳۲۴ هجری) به اصفهان سفر کرد ، در سیاحتنامه خود نوشته است :

« در آخرین روزهای غروب آفتاب شوکت صفویه - به

نادرشاه به سال ۱۱۵۶ طی فرمان به همه مأموران دولتی دستور داد که بی جهت تجار ارمنی را نیازارند .



ویژه در عهد شاه سلطان حسین و پس از هجوم افغانه ، روزگار ارامنه طاقق فرسا و پر عذاب شد . . . و سرانجام از اواخر دوره نادرشاه و به سال ۱۷۴۷ (۱۱۵۹ هجری) جلای وطن اختیار کرده ، به نقاط دیگر مخصوصاً هندوستان مسافرت کردند. «شاردن» جهانگرد معروف فرانسوی در نیمه دوم قرن ۱۷ میلادی جمعیت ارامنه جلفا را ۳۰ هزار نوشته است ، در حالیکه کاهش تدریجی آنها تعدادشان را اینک به حدود ۱۲ هزار نفر (در جلفا و آبادیهای اطراف) رسانده است . . .

در موزه جلفا در حال حاضر ۷۰۰ جلد کتاب خطی و بیش از ۴۵۰ قطعه اشیاء گونه گون مانند : تصاویر و فرامین پادشاهان ، عتیقه ها و تابلوهای نقاشی نگهداری میشود . کتب خطی موزه در قرون ۱۰ تا ۱۹ میلادی نوشته شده که ۳۰ جلد آنها از پوست و بیشتریشان از کاغذ است .

قدیمی ترین کتاب خطی موزه «سطره ۴۲۲» است که در قرن ۱۹ میلادی روی پوست نوشته شده . . . اکثر کتابها تورات ، انجیل و قوانین مذهبی است . بعضی تاریخ پزشکی ، دستور زبان و یا در زمینه های متنوع دیگر است . یک جلد قرآن خطی به زبان ارمنی که در قرن ۱۸ نوشته شده در این مجموعه جای نفیسی را بخود اختصاص داده است .

تصویر شاه عباس و فتحعلیشاه و تابلوهائی از شاهدختها و شاهزادگان قاجار که بوسیله هنرمندان چینی ترسیم شده ، تصویر بزرگی از ناصرالدین شاه ، طرحی از حضرت ابراهیم که در قرن ۱۷ بوسیله «رامبراند» خلق شده ، تابلوی نفیسی «مریم» از یک نقاش سرشناس قرن ۱۷ ایتالیا ، تابلوی ۵ متری «دفن مسیح در شب» اثر آنیبال کاراستی نقاش قرن ۱۶ - و نیز فرمانهائی از شاهان ایران ، برجسته ترین آثار موزه ارامنه جلفاست . . .

پاره ای از فرامین موزه :

۱ - شاه طهماسب - ۹۷۲ هجری قمری :

این فرمان هنگامی صادر شد که اخذ مالیات از املاک ارامنه به میزان طاقت فرسائی رسیده بود . شاه طهماسب فرمان داد تا از دریافت مالیات «تلعا» که مربوط به املاک ارامنه ساکن ناحیه نخجوان بود ، خودداری شود .

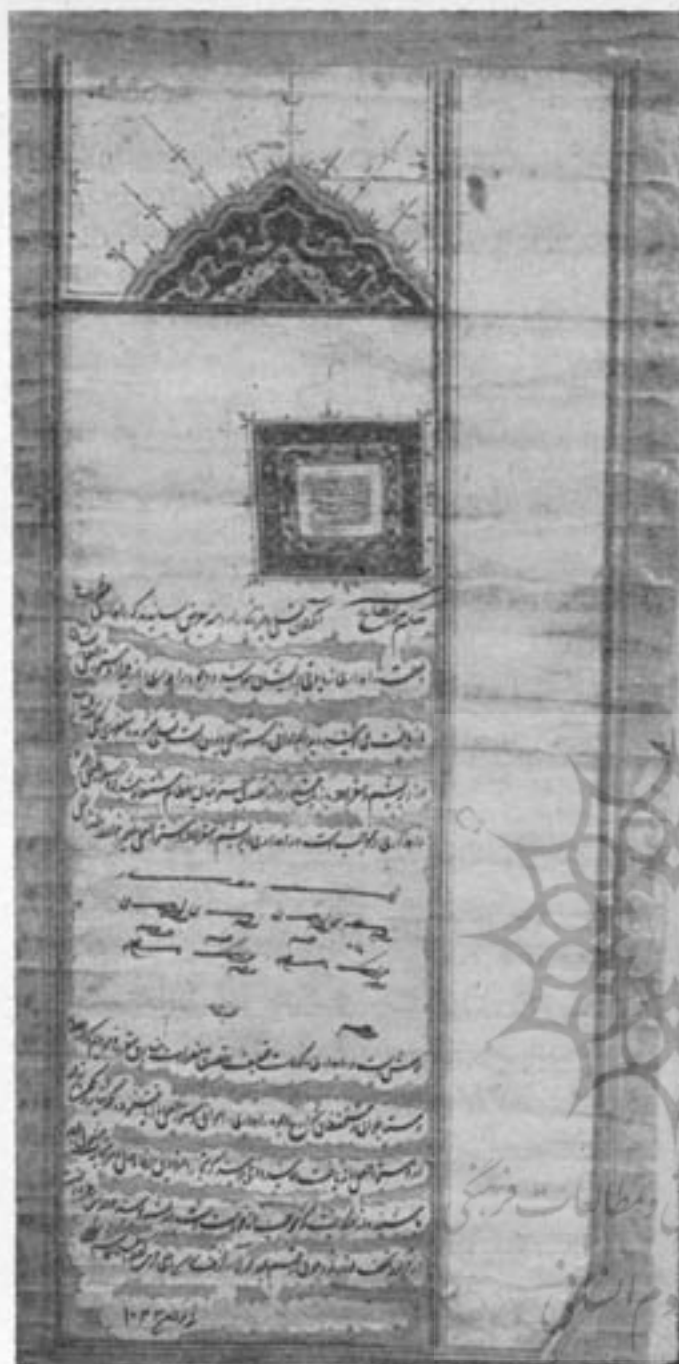
فرمان شاه طهماسب ۲۳ در ۵۴ سانتیمتر و در ۱۷ سطر است که ۵ سطر در حاشیه نوشته شده - سه مهر بر این فرمان نقش بسته که یکی در بالای فرمان و دو دیگر در پائین قرار گرفته است .

۲ - شاه حمزه - ۹۹۳ هجری . ق . (۱۵۸۵ میلادی)

ارامنه مردمی صنعتگر و هنرور بودند . شاه حمزه ملی فرمان خویش به کنخدایان جلفای قدیم تأکید می کند که برای

مسئله فشار طاقت فرسا به ارامنه کار را بجائی رساند که شاه سلطان حسین خوابزده را نیز بفکر صدور فرمانی در رفع تعدی انداخت . او به سال ۱۱۱۹ فرمانی صادر کرد درباره «منع اخذ مالیات از عسوم کلیساهای ارامنه» .





ساختن شمشیر مرصع سلطنتی وجوه کافی در اختیار سیمون که يك صنعتگر ارمني بود قرار دهند .
این فرمان ۱۲ در ۱۷ سانتیمتر - دوسطرونیم و دارای يك مهر است .

۳ - شاه عباس کبیر - ۱۰۱۴ هجری . ق . (۱۶۰۶ میلادی) این فرمان (که متن آن در بالا آمد) ۲۱ در ۳۵ سانتیمتر و در ۹ سطر است که مهر ویژه شاه بر آن منقوش است .

۴ - شاه عباس کبیر - ۱۰۲۸ هجری . ق . (۱۶۱۸ میلادی) این فرمان ۷ سطری برای تحکیم و تثبیت موقعیت مهاجران ارمني صادر شد ، بهنگامی که وضع اسکان آنها دچار نابسامانی بود . شاه عباس در این فرمان درباره عطای زمینهای ساحلی در جنوب زاینده رود به ارامنه وثبت این اراضی در دفاتر دولتی بنام آنها دستور میدهد .
فرمان شاه عباس ۲۱ در ۳۶ سانتیمتر است که مهری بر صدر آن منقوش شده .

۵ - شاه صفی - ۱۰۳۸ هجری . ق . (۱۶۲۹ میلادی) توجهات مستمر شاه عباس هنوز نتوانسته بود موقعیت اجتماعی ارامنه جلفارا مستحکم کند . گاه و بیگاه آنها مورد تجاوز قرار میگرفتند و خانههایشان تصاحب میشد . شاه صفی در فرمانی به اندازه ۳۲۵×۲۲۵ که هفت سطر است تصریح می کند که خانههایی که در زمینهای واگذار شده به ارامنه ساخته شده به خود آنها تعلق دارد .

مهرشاهی در صدر این فرمان نقش بسته است .
۶ - شاه صفی - ۱۰۳۹ هجری . ق . (۱۶۳۰ میلادی) فرمان ۱۶ در ۲۷ سانتیمتر و ۶ سطر است . مهر شاهی در بالای آن نقش بسته ، مضمون فرمان پیرامون فروختن زر و سیم به دولت است که تجار ارامنه از خارج کشور وارد میکردند .

۷ - شاه صفی ۱۰۴۱ هجری . ق . (۱۶۳۱ میلادی) این فرمان ۲۰ در ۴۶ سانتیمتر و در ۱۰ سطر است . فرمان برای جلوگیری از تصرف اموال تجار ارمني در خارج از کشور توسط بیگانگان صادر شده است .
۸ - شاه صفی - ۱۰۴۳ هجری . ق . (۱۶۳۳ میلادی) امنیت موقتی که بر اثر توجه پادشاهان صفوی در جلفا برای ارامنه فراهم آمده بود ، در خارج از حوزه اصفهان هنوز از طرف مردم و حتی مقامات دولتی پذیرفته نشده بود ، از جمله راه دارها از تجار ارمني بعنوان گونه گون اخاذی میکردند .

فرمان شاه صفی برای موقوف شدن اخذ اضافه حقوق گمرکی از تجار ارمني صادر شد .
این فرمان ۱۵ سطر و به اندازه ۱۹ در ۵۱ سانتیمتر

است . سه سطر سیاق و يك مهر در پائین فرمان نقش بسته و با طراحی و خطاطی ظریف و چشمگیری زینت یافته است .

شاه صفی در چهارمین فرمان خود که به سال ۱۰۴۳ هجری صادر شد دستور داد که « از تجار ارامنه اضافه حقوق گمرکی مطالبه نشود » .

۹ - شاه عباس دوم - ۱۰۵۲ هجری قمری (۱۶۴۲ میلادی) اندازه ۲۶×۱۵ سانتیمتر - و در هفت سطر است . مضمون آن از عطای يك دست لباس و عبای زربفت به خواجه

سرفراز (شاه فراز) حکایت میکند .

۱۰ - شاه سلیمان - ۱۰۷۹ هجری . ق . (۱۶۶۸ میلادی) شاه عباس از هنگامی که ارامنه را به جلفای اصفهان کوچ داد در اجرای کلیه مراسم و آداب مذهبی به آنها آزادی کامل داد - اما بزودی فرامین صریح شاه بزرگ صفوی به فراموشی سپرده شد و مداخلات حکمرانان محلی در امور مذهبی ارامنه آغاز شد . شاه سلیمان برای منع این مداخلات در فرمان خویش به حکومت‌های لنجان ، فریدن و چارمحال دستورات اکید میدهد .

این فرمان ۲۰ در ۳۳ سانتیمتر و شامل ۸ سطر و یک مهر است و بطرز زیبایی تزیین شده است .

۱۱ - شاه سلطان حسین ۱۱۱۹ - هجری . ق . (۱۷۰۷ میلادی) اندازه فرمان ۲۷×۵۰ سانتیمتر و در ۱۳ سطر است

دومین فرمان شاه عباس کبیر که سال ۱۰۲۸ هجری ق . صادر شد مربوط بود به «عطای زمینهای ساحلی جنوب زایندهرود به ارامنه و دستور ثبت آنها به دفاتر دولتی» .

مضمون آن درباره منع اخذ مالیات از کلیساهای ارامنه در جلفا و فریدن است . . .

۱۲ - نادرشاه - ۱۱۵۴ - هجری . ق . (۱۷۴۱ میلادی) ارامنه تا آن هنگام مجاز نبودند اختلافات خود را در دادگستری مستقیماً مطرح کنند . بازرگانان جلفا برای تسریع داوری عدالت در کارخویش (درمواقع ضروری) از شاه درخواست کرده بودند پرونده اختلافاتشان در دادگستری بدون واسطه دنبال شود . نادرشاه طی فرمانی که ۲۴ در ۲۶ سانتیمتر است با درخواست ارامنه موافقت کرده است .

۱۳ - نادرشاه - ۱۱۵۵ - هجری . ق . (۱۷۴۲ میلادی) تأثیر فرمان شاه صفی برای منع دریافت اضافه حقوق مستمری از تجار ارامنه دوام چندانی نیافت . عدم حسن تفاهم با مهاجران ارمنی بصورت سختگیری و فشار مردم و مأموران دولتی نسبت به آنان تظاهر میکرد . بازرگانان ارمنی ناگزیر توسط کلاتر ها کوپ از نادرشاه درخواست کردند اخذ اضافه حقوق گمرکی را از تجار ارمنی منع کند و شاه طی فرمانی به رادارها در اینباره دستورات قاطعی داد .

فرمان نادرشاه ۲۱ در ۴۰ سانتیمتر و ۳ سطر است که مهر سلطنتی در بالای آن نقش بسته است .

۱۴ - نادرشاه ۱۱۵۶ - هجری . ق . (۱۷۴۳ میلادی) از طرف تجار جلفا از شاه دادخواهی شده بود که مأموران دولت کالاهائی را که آنان ندارند ، مطالبه می‌کنند و مأموران ارمنی را و امیدارند تا این کالاها را بیهای گزاف از دیگران بخرند و بقیمت ارزان به آنها بفروشند .

نادرشاه طی فرمانی که ۳ سطر و در ۲۳×۱۵ سانتیمتر بود تأکید کرد که تجار ارامنه را آزار ندهند و تنها کالاهائی را از آنها بخواهند که داشته باشند .

۱۵ - کریمخان زند - ۱۱۶۶ هجری . ق . (۱۷۵۲ میلادی) آزار ارامنه بار دیگر به اوج رسیده بود . مأموران دولتی از آنها بجاوین مختلف پول میگرفتند . کشتزارهایشان غارت میشد و علاوه بر این حقوق سنگینی بخاطر کشت گندم از آنان میگرفتند . ارامنه امنیت نداشتند . خانه‌هایشان مدام مورد تفتیش قرار میگرفت و به اشیاء لوکس و مایملکشان دستبرد زده میشد .

این وضع را فرامین کریمخان و علیمردان خان تغییر داد . کریمخان در فرمان خود که ۲۸ در ۴۹ سانتیمتر و در ۶ سطر است برای جلوگیری از آزار ارامنه دستور میدهد و تأکید می‌کند که این قوم مورد توجه او هستند .

۱۶ - علیمردانخان - ۱۱۹۴ - هجری . ق . (۱۷۸۰ میلادی) این فرمان ۲۲×۳۱ سانتیمتر و در سه سطر است . مضمون آن در منع تفتیش منازل ارامنه جلفا و شکنجه آنها برای اخذ گندم میباشد .

